

بررسی رابطه دلبستگی محیطی با میزان سلامت روان و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهرستان ورامین

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۸/۳

مهرانگیز پیوسته گر* - زهرا درویزه** - سیما طاووسی***

چکیده

دلبستگی محیطی، به پیوند عاطفی بین فرد و محیط اطلاق می‌شود. این مفهوم تجارب زندگی افراد را به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار می‌دهد. فردی که به محیطش دلبسته است، احساسات مثبتی، نظیر: شادی و رضایت نسبت به محیط و مردمش دارد. بروز چنین احساساتی نه تنها منجر به سلامت روان بلکه افزایش سازگاری آن‌ها می‌شود. پژوهش حاضر، با بررسی دلبستگی محیطی، استنتاجاتی درباره پیامدهای دلبستگی محیطی بر سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد، تا اهمیت محیط زندگی و به تبع آن آثار معماران را در سازگاری و سلامت روان انسان نشان دهد. یکی از نظریه‌هایی که درباره روابط عاطفی بین انسان و محیط نقش تبیین‌کننده دارد، نظریه دلبستگی^۱ است. دلبستگی به محیط، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار در سازگاری و سلامت روان است. با توجه به اثرگذاری دلبستگی به محیط بر جنبه‌های مختلف رفتار انسان و اهمیت و ضرورت سلامت روان و سازگاری اجتماعی به‌خصوص در نوجوانان، پژوهش حاضر به محققین امکان می‌دهد، تا نقش عوامل مرتبط با سلامت روان و سازگاری اجتماعی را به‌طور گسترده‌تر در رابطه با محیط مورد بررسی قرار دهند. در بررسی حاضر، نمونه‌ای شامل ۳۴۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر (پسر ۱۷۰ نفر و دختر ۱۷۰ نفر) به روش نمونه‌گیری تصادفی از مناطق مختلف شهر ورامین انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه دلبستگی محیطی (AE)، پرسشنامه سلامت روان (GHQ) گلدبرگ، پرسشنامه سازگاری اجتماعی (CTP) و یک پرسشنامه جمعیت‌شناختی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی، آزمون مستقل t و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج نشان دادند که دلبستگی محیطی با برخی از مؤلفه‌های سلامت روان و سازگاری اجتماعی همبستگی معنی‌داری دارد. به‌طور کلی دلبستگی مکانی، اجتماعی و دلبستگی کلی دختران در سطح خانه بیش‌تر از پسران است. به‌علاوه نوجوانان در وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین از دلبستگی محیطی بیشتری برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: دلبستگی محیطی، سلامت روان، سازگاری اجتماعی، نوجوان.

* دانشیار روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mpaivastegar@alzahra.ac.ir

** دانشیار روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

*** کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

علوم مختلف اهمیت محیط و مکان را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف نهایی همه این پژوهش‌ها، پیش‌بینی رفتار انسان در موقعیت‌های خاص است. اما بیشتر این علوم اهمیت تشکیل پیوند عاطفی بین محیط و انسان و رابطه آن بر سازگاری و سلامت روان را مورد بررسی قرار نداده‌اند. امروزه سازگاری و سلامت روانی از موضوعاتی است که ذهن بسیاری از متخصصان حوزه‌های مختلف را به خود مشغول کرده‌است، دل‌بستگی به محیط فیزیکی عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار در سازگاری و سلامت روان است. تعامل و پیوند با محیط زندگی منجر به ایجاد روابط عاطفی بین انسان و محیط می‌شود (Low & Altman, 1992, p. 12). در جریان این تعامل فضاهای بی‌نام و نشان^۲ برای انسان به محیط‌های معناداری تبدیل می‌شوند که به‌عنوان موضوعات دل‌بستگی به‌کار می‌روند (Uzzell et al., 2002, p. 26). کاربرد اصطلاحاتی نظیر همسایه، هم‌سهری و یا هم‌وطن بیانگر دل‌بستگی به محیط است. به عقیده محققان خاطرات و عواطف شدیدی که هنگام روبه‌رو شدن با یک محیط خاص در ذهن ما به‌وجود می‌آید، باعث می‌شود یک محیط برای ما اهمیت خاصی داشته باشد. تعامل دائم با یک محیط، توانایی‌های بودن ما به‌عنوان یک فرد و سازگاری و میزان سلامت روان ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. لذا پژوهش حاضر در زمینه دل‌بستگی محیطی به محققان امکان می‌دهد، تا دریابند که آیا دل‌بستگی به محیط با سلامت روان و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان ارتباط دارد؟

۱. مبانی نظری

نظریه دل‌بستگی پیوند عاطفی بین محیط و انسان را بررسی نموده است. بالبی (1979) بنیان‌گذار نظریه دل‌بستگی ابتدا دلایل دل‌بستگی انسان‌ها به یکدیگر و در ادامه دل‌بستگی به سایر موارد را مورد بررسی قرار داد. وی اصطلاح دل‌بستگی را برای اشاره به روابط عاطفی محکم و دائمی بین مراقب و نوزاد به‌کار برد. به عقیده بالبی، کودکان تمایل دارند به برخی اشخاص به‌ویژه مادرشان بچسبند و در حضور آن‌ها احساس امنیت کنند. بالبی معتقد بود که در نتیجه پیوند و تعامل میان انسان و یک شیء خاص (فرد و یا شیء) عواطفی به‌وجود می‌آید. بالبی این عواطف را دل‌بستگی نامید. دل‌بستگی به محیط در همه انسان‌ها و در فرهنگ‌های مختلف دیده شده‌است. منظور از دل‌بستگی به محیط، دل‌بستگی به فضایی است که فرد در آن فضا سکونت دارد. از نقطه‌نظر تئوریک، دل‌بستگی به محیط شامل مراقبت از محیط و علاقمندی به آن است. افرادی که به محیط دل‌بستگی دارند با تخریب و از بین رفتن آن مخالفت می‌کنند. دل‌بستگی به محیط فرآیندی است که در افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها به‌وجود می‌آید (Altman et al., 1992, p. 56).

مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت‌های انسان نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دل‌بسته می‌شود، تا آن‌جا که گاه حتی خود را با آن باز می‌شناسد. به عبارتی «دل‌بستگی به محیط»، از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و محیط است (Joan et al., 2006, p. 142). اگر یک محیط نیازهای فیزیکی و روانشناختی ما را برآورده سازد و یا مطابق با اهداف و سبک زندگی ما باشد، با آن محیط پیوند قوی‌تری ایجاد می‌کنیم. اگر محیط‌ها هویت «خود»^۳ ما را تقویت کنند، از نظر عاطفی به آن‌ها دل‌بسته می‌شویم (Tuan, 2001).

محیط‌ها این کار را از طریق ارائه تمایز از دیگران؛ استمرار تجربه در طی زمان؛ و این‌که ما را قادر می‌سازند تا از خود ارزیابی مثبتی کنیم، انجام می‌دهند (Davidson, 2004). از این‌رو، عزت نفس ما را تقویت می‌کنند. دل‌بستگی محیط می‌تواند شیوه‌ای برای نشان دادن استقلال، سلامت و صلاحیت افراد باشد. محیط‌ها دارای ارزش هستند و این ارزش در خلال زمان سپری‌شده در آن محیط ایجاد می‌شود. تجربه شخصی مستقیم و غیرمستقیم (انتقال از طریق دیگران) و مبادلات اجتماعی منجر به دل‌بسته‌شدن فرد به یک محیط تعریف‌شده می‌شود. دل‌بستگی محیط علاوه بر جنبه مثبت دارای جنبه منفی نیز می‌باشد. جنبه منفی دل‌بستگی محیط را می‌توان مانند از دست‌دادن همسر در محل سکونت و یا علی‌رغم همه خاطرات مثبت تجربه مشترک منفی به‌عنوان یک دل‌بستگی منفی محیطی مطرح نمود، که این دل‌بستگی منفی می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی افراد اثرات منفی داشته باشد.

چه عواملی باعث می‌شود ما به یک محیط وابسته شویم؟ به عقیده روانشناسان زمانی افراد جامعه از دل‌بستگی ایمن با محیط یا مکان زندگی خود برخوردار خواهند شد، که برای آن‌ها امکان فعالیت محیطی مانند کشف محیط، بازی و فعالیت در فضاهای بیرون از خانه فراهم باشد.

مدت اقامت افراد در یک منطقه نیز قوی‌ترین تأثیر را بر دل‌بستگی محیطی افراد دارد (Tuan, 1974, p. 165). هر قدر فرد در یک محیط، اقامت طولانی‌تری داشته باشد، احتمالاً احساساتش نسبت به محلی که در آن است، مثبت‌تر می‌شود. احساس مالکیت نسبت به یک محیط نظیر مالک یک خانه بودن نیز به صورت مثبت با دل‌بستگی محیطی ارتباط دارد (Tuan, 2001). بافت اجتماع نیز در دل‌بستگی محیطی تأثیر مهمی دارد، به‌عنوان مثال افرادی که در محیطی زندگی می‌کنند که ساکنین آن منطقه به آن محیط احساس دل‌بسته بودن می‌کنند، به احتمال بیشتری فرد نیز احساس دل‌بسته بودن می‌کند. همچنین جایی که افراد، دوستان و خویشاوندان زیادی دارند، دل‌بستگی محیطی بیشتری دیده می‌شود (Proshansky & Kaminoff, 1979; Hughey et al., 2002, p. 65). در مناطق محروم که تراکم بالاتر جمعیت

دیده می‌شود، سطوح بالاتر ترس از جرم، میزان بالاتری از جرایم دیده می‌شود و دلبستگی محیطی در افراد کاهش می‌یابد (Giuliani, 2003). دلبستگی به محیط سبب ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به یک محیط و همین‌طور توجه به محافظت از آن محیط می‌شود (Pretty et al., 2003, p. 265). برخی مطالعات نقش جنسیت در دلبستگی به محیط را رد کرده و معتقدند اگر در زنان دلبستگی به محیط بیشتری دیده می‌شود، به این دلیل است که آن‌ها زمان بیشتری را در آن محیط گذرانده‌اند. برخی سطح درآمد را عامل تعیین‌کننده‌ای در دلبستگی به محیط مؤثر دانسته و معتقدند افراد با درآمد پائین تمایل بیشتری به تشکیل شبکه‌های اجتماعی در محل سکونت خود دارند (Burchfield, 2009, p. 65).

۱-۱- پیامدهای دلبستگی محیطی

یکی از پیامدهای دلبستگی محیطی، سازگاری اجتماعی است (Jennifer, 2001, p. 95). به این ترتیب، افراد از طریق کیفیت محیطی که با آن ارتباط دارند، به دنبال حفظ و یا کسب ارزیابی مثبت از خودشان و احساس ارج و ارزش اجتماعی هستند (Halpenny, 2010). سازگاری اجتماعی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، مفهوم عمیقی است که توانایی‌های متعددی را دربرمی‌گیرد. توانایی‌هایی مانند: سازگاری با معیارها، قالب‌ها و تهدیدهای اجتماعی، اکتساب مهارت‌های اجتماعی متعدد، ارتباط مؤثر و سازنده با همه کسانی که فرد با آن‌ها برخورد دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دلبستگی محیطی قوی‌تر با رضایت از محل سکونت، عاطفه مثبت و سازگاری بهتر مرتبط است (Van den Berg, 2003, p. 135). دلبستگی محیطی که در نتیجه گذشت زمان به‌وجود می‌آید، تا اندازه‌ای از طریق روابط اجتماعی در یک محله^۲ به رشد احساس تعلق و در نهایت سازگاری افراد کمک می‌کند (Jorgensen, 2001).

سلامت روان نیز رابطه تنگاتنگ و نزدیکی با سازگاری و دلبستگی محیطی دارد (Scopelliti, 2003). اساساً هر جا بتوان از سازگاری مطلوب و آرمانی سخن گفت، همان‌جا باید دنبال سلامت روان بود (Giuliani, 1993, p. 267). زمانی که افراد بتوانند خود را با شرایط اجتماعی سازگار کنند یک گام به سلامت روان نزدیک شده‌اند (Van den Berg, 2003, p. 135). افراد در جستجوی محیط‌های مختلفی هستند که در آن‌جا بتوانند استراحت کنند و از جنبه‌های پراسترس زندگی روزانه خود دور شده و سلامت خود را دوباره به‌دست آورند. دلبستگی به محیط‌هایی افزایش می‌یابد که معماری آن‌ها، راه فراری از فشارهای شخصی و اجتماعی فراهم می‌آورد (Kearns, 2001, p. 2110). از این‌رو، دلبستگی به محیط به سلامت روان و بهزیستی فرد کمک می‌کند. محققان موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را به دلیل احساس تعلق آن‌ها به مدرسه می‌دانند (Kyle GT, 2004, p. 213). به گفته این محققان، کودکانی که نسبت به محیط احساس تعلق نمی‌کنند، رفتار خشونت‌آمیزتری در مدرسه نشان می‌دهند.

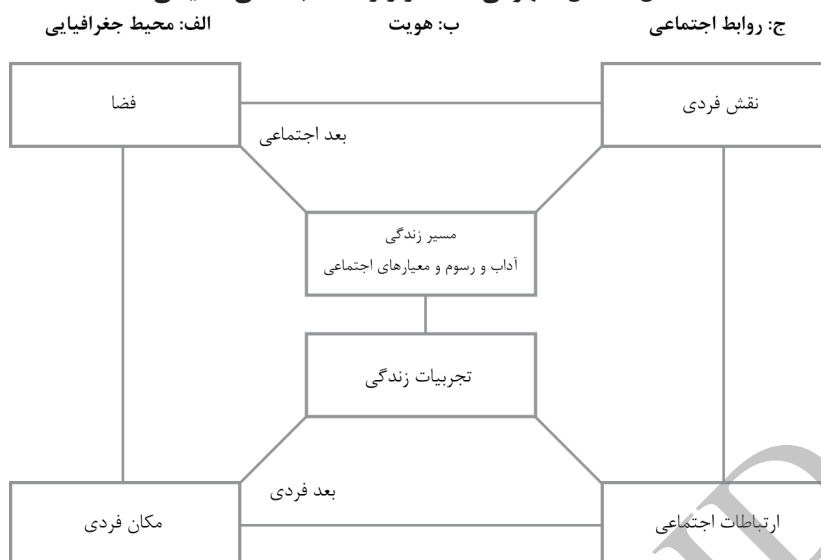
فضاهایی که در طراحی آن‌ها نفوذپذیری دیداری و صوتی بالا است؛ برای افراد، استرس بیشتری تولید کرده و منجر به ناسازگاری در آن‌ها می‌شود و اگر چنین شرایطی غیرقابل کنترل باشد، منجر به درماندگی آموخته‌شده و آشفتگی روانی می‌شود (Pretty, 2003).

۱-۲- مدل مفهومی دلبستگی محیط

همان‌گونه که قبلاً تعریف شد؛ دلبستگی محیطی، مجموعه‌ای از احساسات درباره یک محیط جغرافیایی است که یک فرد را از لحاظ عاطفی با آن محیط پیوند می‌دهد. تجربیات زندگی هر فرد یک کیفیت عاطفی است که منجر به پیوند عاطفی با آن محیط می‌شود.

سمپسون (1977) یک مدل ترکیبی از دلبستگی محیطی را در شکل ۱، ارائه کرده‌است (Sampson, 1977, p. 767). در این مدل سه عامل اساسی دلبستگی محیطی (محیط جغرافیایی، هویت و روابط اجتماعی) در دو بعد فردی و اجتماعی مشاهده می‌شود. بعد فردی مدل، شامل نگرش‌ها، باورها، تجربیات و معانی فضایی است. بعد اجتماعی مدل شامل نرم‌های اجتماعی آداب و رسوم و معانی فرهنگی مشترک بین اعضای یک جامعه است.

شکل ۱: مدل مفهومی ساختار و رشد دلبستگی محیطی



الف) محیط جغرافیایی: شامل محدوده جغرافیایی فرد است، که در بعد اجتماعی به یک قلمروی نسبتاً متمایز نشده و خارج از معانی فردی اطلاق می‌شود. در صورتی که همین محیط در بعد فردی تبدیل به مکانی می‌شود که از معانی شخصی برخوردار است. به عنوان مثال؛ خانه‌های سازمانی برای مشاهده‌کنندگان فقط یک ردیف از خانه‌ها است و هر ردیف از خانه‌ها با ردیف‌های دیگر تفاوتی ندارد. در صورتی که این ردیف‌ها برای ساکنین این خانه‌ها پر از معانی و خاطرات زندگی است.

ب) هویت: احساس چه کسی بودن است که حاصل یک عمر تجربه در زندگی فرد است. از بعد اجتماعی هویت از معیارهای اجتماعی، آداب و رسوم و تحولات اجتماعی و فرهنگی تشکیل یافته است. در بعد فردی یعنی هر فرد بر مبنای تجربیات خاص خود از محیطی که به آن دلبسته شده یک داستان زندگی دارد.

ج) ارتباطات اجتماعی: در این مدل ارتباطات اجتماعی شیوه‌ای است که فرد با فضای اجتماعی آمیخته می‌شود، که این فضا شامل فرهنگ، ارزش‌ها و قراردادهای اجتماعی می‌شود.

مدل در بعد فردی استقلال شخص را برای مبادلات اجتماعی مورد تأکید قرار می‌دهد. محققان بر این عقیده‌اند که اگر استطاعت محیط برتر از استطاعت روابط اجتماعی باشد، دلبستگی محیطی نسبت به محیطی که فرد در آن حضور دارد، به وجود می‌آید. بنابراین هرچقدر استطاعت محیط متناسب با نیازهای افراد جامعه باشد، منجر به افزایش سلامت روان و سازگاری آن‌ها می‌شود. به عنوان مثال چنانچه در سطح فردی دلبستگی به محیط مختل شود، مثلاً خانه شخصی فرد مورد تجاوز قرار گیرد، احساس عدم امنیت و عدم اطمینان خاطر برای فرد ایجاد می‌شود. هر قدر میزان تجاوز بیشتر باشد، فرد احساس عدم امنیت کرده و ترس و ناآرامی که مخل سلامت روان و سازگار اجتماعی است، منجر به کاهش سازگاری و سلامت روان افراد می‌شود.

با توجه به تأثیری که دلبستگی محیطی بر رفتار انسان دارد و محدودیت بسیار تحقیقات انجام گرفته در ایران در زمینه دلبستگی محیطی و لزوم توجه به سلامت روانی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان، پژوهش حاضر به منظور پاسخگویی به سؤالات زیر طرح‌ریزی شد:

۱. آیا بین دلبستگی محیطی با سلامت روان و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
۲. آیا بین دلبستگی محیطی در دختران و پسران تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا بین میزان دلبستگی محیطی دانش‌آموزان براساس سطح اقتصادی-اجتماعی (مرفه و غیرمرفه) آنان تفاوت وجود دارد؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش رابطه دلبستگی محیطی با سلامت روان و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان بررسی می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس اول دبیرستان مدارس دولتی و غیرانتفاعی است. این دانش‌آموزان به مدت بیش از سه سال در یک محل در شهرستان ورامین اقامت داشته‌اند. حجم کل نمونه ۳۴۰ نفر (پسر ۱۷۰ نفر و دختر ۱۷۰ نفر) بودند که ۲۴۰ نفر آن‌ها از مدارس دولتی و ۱۰۰ نفر نیز از مدارس غیرانتفاعی انتخاب شدند. انتخاب نمونه به روش تصادفی ساده صورت پذیرفت. به این صورت که از

میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی دخترانه و پسرانه شهر ورامین چهار دبیرستان از منطقه بالای شهر و چهار دبیرستان از منطقه پایین شهر انتخاب شدند. از میان دانش‌آموزان کلاس اول دبیرستان این دبیرستان‌ها افرادی که به مدت سه سال و یا بیشتر در یک محل اقامت داشتند، به‌عنوان افراد نمونه انتخاب شدند. سه پرسشنامه دلبستگی محیطی، سازگاری اجتماعی، سلامت روان و پرسشنامه جمعیت‌شناختی به صورت گروهی توسط دانش‌آموزان تکمیل شد.

۲-۱- ابزار پژوهش

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش براساس متغیرهای مورد بررسی به شرح زیر می‌باشند:

الف) پرسشنامه سلامت روان (GHQ)

در تحقیق حاضر سلامت روان به وسیله تست (GHQ) ۲۸ گزینه‌ای گلدبرگ سنجیده می‌شود. این پرسشنامه دارای چهار مقیاس نشانگان جسمانی^۶، اضطراب^۷، اختلال در کنش و کارکرد اجتماعی^۸، افسردگی^۹ است. نمره کلی هر فرد از حاصل جمع نمرات چهار زیر مقیاس به دست می‌آید. اعتباریابی و تحلیل آماری مواد نسخه فارسی پرسشنامه ۲۸ ماده‌ای سلامت عمومی بر مبنای نمره‌گذاری ساده لیکرت، با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS توسط عباس هومن در سال ۷۶ در دانشگاه تربیت معلم انجام گرفته‌است. هومن اعتبار پرسشنامه نسخه فارسی GHQ-۲۸ را ۰/۸۴ گزارش نمود. بررسی ضریب اعتبار به معنای همسانی درونی پرسشنامه سلامت عمومی به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ می‌باشد.

ب) پرسشنامه سازگاری اجتماعی^{۱۰} (CTP)

پرسشنامه سازگاری اجتماعی (CTP) توسط هال و همکاران برای اندازه‌گیری سازگاری‌های مختلف زندگی ساخته شده‌است. این آزمون به منظور سنجش سازگاری‌های مختلف زندگی دارای دو قطب سازگاری شخصی و اجتماعی است و شامل ۱۸۰ سؤال دو گزینه‌ای از نوع (بله و خیر) است. سازگاری شخصی و اجتماعی هر یک به‌طور جداگانه دارای ۹۰ سؤال است. زمینه سازگاری اجتماعی ۶ مقیاس فرعی دارد که هر مقیاس دارای ۱۵ سؤال است. غلامرضا خجسته مهر (۱۳۷۲) ضرایب پایایی این آزمون را برای مقیاس سازگاری فردی بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۸ و برای سازگاری اجتماعی بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۸ محاسبه نموده‌است. میزان ضریب اعتبار سازگاری اجتماعی به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۹ می‌باشد.

ج) پرسشنامه دلبستگی محیطی^{۱۱} (EP)

پرسشنامه دلبستگی محیطی ۹ سؤال ۴ گزینه‌ای دارد که ایجاد دلبستگی مکانی، اجتماعی و دلبستگی کلی را در سه سطح؛ خانه، محله و شهر می‌سنجد. سؤالات پرسشنامه چهارگزینه‌ای اصلاً تا کاملاً را شامل می‌شود. در هر بعد کم‌ترین نمره ۳ و بیشترین نمره ۱۲ می‌باشد. نمره کامل دلبستگی محیطی بین ۹ تا ۳۶ متغیر است. سؤالات بعد مکانی ترک مکان و بعد اجتماعی ترک افراد و بعد کلی هر دو مورد را در بر می‌گیرد. این پرسشنامه توسط میدالگو و فرناندز (۲۰۰۱) تهیه شده‌است. پایایی کلی آن ۰/۸۵ و پایایی هر یک از ابعاد آن ۰/۷۰ گزارش شده‌است. این پرسشنامه به وسیله درویزه (۱۳۸۷) در ایران ترجمه و اعتباریابی شده‌است. اعتبار صوری به وسیله ۵ تن از متخصصان روانشناسی تأیید و پایایی کلی ۰/۸۱، برای دلبستگی مکان ۰/۷۱ و دلبستگی اجتماعی ۰/۷۰ به روش بازآزمایی محاسبه شد. برای بررسی ضریب اعتبار به معنای همسانی درونی پرسشنامه دلبستگی محیطی به روش آلفای کرونباخ عمل شد و نتیجه نشان داد که میزان ضریب اعتبار این پرسشنامه برابر ۰/۷۱ می‌باشد.

د) پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

در این پژوهش یک پرسشنامه با توجه به عوامل جمعیت‌شناختی از قبیل (شغل، تحصیلات، سن، محل سکونت، مدت سکونت در محیط فعلی و غیره) برای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان تهیه شد.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول ۱، توزیع گروه مورد مطالعه از نظر جنسیت و سن را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه از نظر سن و جنس

کل	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	سن	
						تعداد	جنسیت
۱۷۰	۳	۱۰	۵۳	۶۹	۳۵	دختر	
						درصد	
	% ۱/۸	% ۵/۹	% ۳۱/۲	% ۴۰/۶	% ۲۰/۶		
۱۷۰	۱	۸	۵۶	۹۷	۸	پسر	
						درصد	
	% ۰/۶	% ۴/۷	% ۳۲/۹	% ۵۷/۱	% ۴/۷		
۳۴۰	۴	۱۸	۱۰۹	۱۶۶	۴۳	کل	
						درصد	
	% ۱/۲	% ۵/۳	% ۳۲/۱	% ۴۸/۸	% ۱۲/۶		

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که دامنه سنی دانش‌آموزان بین ۱۴ تا ۱۸ سال و میانگین سنی آن‌ها ۱۵/۳۴ سال می‌باشد. بیشترین فراوانی در گروه سنی ۱۵ سال است. جدول ۲، ضریب همبستگی مؤلفه‌های دلبستگی محیطی با سلامت عمومی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی مؤلفه‌های دلبستگی محیطی با سلامت عمومی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان

دلبستگی محیطی			متغیرها	
محیطی	اجتماعی	مکانی		
-۰/۰۷۰	۰/۰۵۰	-۰/۰۸۱	علائم جسمانی	سلامت عمومی
-۰/۰۱۷	-۰/۰۰۷	-۰/۰۲۹	علائم اضطرابی و اختلال خواب	
-۰/۰۲۳	-۰/۰۶۱	-۰/۰۷۷	کارکرد اجتماعی	
-۰/۰۲۵	-۰/۰۶۲	-۰/۰۴۳	افسردگی	سازگاری اجتماعی
۰/۰۳۵	۰/۰۹۵	-۰/۰۵۱	معیارهای اجتماعی	
-۰/۱۱۳*	-۰/۰۵۸	-۰/۱۳۷*	مهارت‌های اجتماعی	
۰/۰۵۱	۰/۰۳۸	۰/۰۱۱	علائق ضداجتماعی	
۰/۰۶۷	۰/۰۲۷	۰/۰۱۲	روابط خانوادگی	
۰/۰۶۳	۰/۰۹۸	۰/۰۰۵	روابط مدرسه	روابط اجتماعی
۰/۰۹۴	۰/۰۸۳	۰/۰۲۵	روابط اجتماعی	

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

همان‌طور که از نتایج جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بین برخی از مؤلفه‌های سلامت روان (علائم اضطرابی و اختلال خواب و افسردگی) و دلبستگی مکان، همبستگی منفی معناداری وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد با افزایش دلبستگی مکان سلامت روان دانش‌آموزان افزایش می‌یابد. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که همبستگی معنادار بین سطوح دلبستگی محیطی با برخی مؤلفه‌های سازگاری اجتماعی دیده می‌شود. در جدول ۳، تفاوت دلبستگی محیطی در دانش‌آموزان دختر و پسر دیده می‌شود.

جدول ۳: مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر دلبستگی کلی در سطح خانه، محله و شهر

آزمون t برای یکسانی میانگین‌ها		آزمون لیونز برای یکسانی واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌ها		گروه‌ها
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	مقدار F محاسبه شده				سطح معنی داری	مقدار F محاسبه شده	
۰/۰۳۰	۳۳۸	-۲/۱۸۰	۷/۵۴۰	۱/۱۲۵ ۱/۰۱۱	۲/۶۶ ۲/۹۲	۱۷۰	خانه	دختر	دلبستگی محیطی
۰/۱۹۷	۳۳۸	-۱/۲۹۲	۱/۰۴۲	۱/۱۱۸ ۱/۱۴۸	۲/۱۰ ۲/۲۶	۱۷۰	محله	پسر	
۰/۵۴۱	۳۳۸	۰/۶۱۱	۰/۵۴۵	۱/۱۳۷ ۱/۱۷۰	۲/۴۹ ۲/۴۱	۱۷۰	شهر		
۰/۰۰۲	۳۳۸	۳/۱۴۸	۵/۴۳۲	۱/۱۹۵ ۱/۱۱۲	۲/۳۲ ۱/۹۳	۱۷۰	خانه	دختر	دلبستگی مکانی
۰/۳۶۱	۳۳۸	۰/۹۱۵	۰/۲۵۴	۱/۰۴۶ ۱/۰۸۸	۲/۰۸ ۱/۹۸	۱۷۰	محله	پسر	
۰/۱۰۰	۳۳۸	۱/۶۴۹	۰/۵۱۲	۱/۱۲۱۲ ۱/۱۱۴	۲/۲۹ ۲/۰۹	۱۷۰	شهر		
۰/۰۰۰	۳۳۸	۵/۶۰۲	۱۰/۴۸۸	۱/۰۵۰ ۱/۱۷۳	۲/۹۴ ۲/۲۶	۱۷۰	خانه	دختر	دلبستگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۳۳۸	۵/۶۰۲	۱۰/۴۸۸	۱/۰۲۵ ۱/۱۷۳	۲/۴۳ ۲/۵۱	۱۷۰	محله	پسر	
۰/۰۶۷	۳۳۸	-۱/۸۳۶	۰/۶۴۰	۱/۰۷۸ ۱/۱۰۸	۲/۴۹ ۲/۷۱	۱۷۰	شهر		

با توجه به نتایج جدول ۳ و مقدار t محاسبه شده (-۲/۱۸۰) در سطح خانه، با سطح اطمینان ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دلبستگی کلی دانش‌آموزان دختر در سطح خانه به‌طور معنی‌دار بیش از دانش‌آموزان پسر است. ولی در سایر سطوح (محله و شهر) مقدار t محاسبه شده (-۱/۲۹۲) با سطح اطمینان ۰/۹۵ نشان می‌دهد که بین میزان دلبستگی کلی دانش‌آموزان دختر و پسر در سطح محله و شهر، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. جدول ۴ میزان دلبستگی محیطی (مکانی-اجتماعی-کلی) دانش‌آموزان را براساس سطح اقتصادی-اجتماعی آنان نشان می‌دهد.

جدول ۴: شاخص‌های آزمون t برای آزمون معنی‌دار بودن تفاوت مشاهده‌شده بین میانگین نمره‌های دلبستگی کلی دانش‌آموزان طبقه بالا و پایین اقتصادی

آزمون t برای یکسانی میانگین‌ها		آزمون لیونز برای یکسانی واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص‌ها		گروه‌ها
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	مقدار F محاسبه شده				سطح معنی داری	مقدار F محاسبه شده	
۰/۰۱۳	۳۳۸	۲/۴۹۴	۰/۱۶۶	۲/۱۸۷ ۲/۲۹۲	۷/۷۲ ۷/۱۲	۱۷۰	طبقه بالا	طبقه پایین	دلبستگی محیطی
۰/۰۱۴	۳۳۸	۲/۴۶۸	۰/۵۱۱	۵/۶۲۰ ۵/۳۶۲	۲۰/۶۹ ۲۲/۱۶	۱۷۰	طبقه بالا	طبقه پایین	
۰/۰۰۴	۳۳۸	۲/۸۹۳	۶/۰۰۱	۲/۲۲۳ ۲/۵۲۸	۵/۹۷ ۶/۷۲	۱۷۰	طبقه بالا	طبقه پایین	دلبستگی اجتماعی

توجه به نتایج جدول ۴ و مقدار t محاسبه شده (۲/۴۶۸) با سطح اطمینان ۰/۹۵ نشان می‌دهد که دلبستگی محیطی دانش‌آموزان غیرمرفه به‌طور معنی‌دار بیش از دانش‌آموزان مرفه است. این نتایج نشان می‌دهد که دلبستگی مکانی دانش‌آموزان غیرمرفه مدارس به‌طور معنی‌دار بیش از دانش‌آموزان مرفه مدارس است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه دل‌بستگی محیطی در سه سطح دل‌بستگی اجتماعی، دل‌بستگی محیط و دل‌بستگی کلی (در سطوح خانه، محله و شهر) با سلامت روان و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر ورامین انجام شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین ابعاد دل‌بستگی محیط و برخی از مؤلفه‌های سلامت روان، مانند: علائم اضطرابی و اختلال خواب، افسردگی و کارکردهای اجتماعی وجود دارد. به‌طور کلی این نتایج نشان‌دهنده رابطه معنادار بین دل‌بستگی محیطی در سطح شهر با مؤلفه‌های علائم جسمانی و کارکرد اجتماعی از سلامت روان است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت افرادی که فاقد دل‌بستگی به محیط هستند، در آن محیط احساس آرامش و راحتی نمی‌کنند و دچار حالت‌های اضطرابی و افسردگی می‌شوند، که این موضوع سلامت روان آن‌ها را به خطر می‌اندازد و از طرف دیگر دل‌بستگی به مکان باعث علاقمندی به آن مکان شده و فرد تلاش بیشتری برای جلوگیری از تخریب و حفظ مکان می‌کند. چنین رفتارهایی نشان‌دهنده سازگاری افراد است. رشد پیوندهای عاطفی با محیط پیش نیاز تعادل روانشناختی و سازگاری خوب است. چنین سازگاری به ما کمک می‌کند تا بر بحران‌های هویت غلبه کنیم، و در دنیای همواره در حال تغییر، به افراد احساس ثباتی را که نیاز دارند، می‌دهد. چنین احساس ثباتی ممکن است، مشارکت در فعالیت‌های محلی را تسهیل نموده و منجر به رضایت از محل سکونت، عاطفه مثبت و افزایش سازگاری افراد شود. به علاوه وقتی دل‌بستگی فرد به محیط خاصی چه در سطح فردی (مانند خانه) و چه در سطح جمعی (مانند سرزمین- وطن) کاهش یابد، فرد در آن محیط احساس عدم امنیت و پریشانی خاطر می‌کند و بی‌علاقگی فرد به آن محیط منجر به رفتارهای ناسازگارانه می‌شود.

دل‌بستگی به خانه و محله باعث می‌شود، افراد با ساکنان آن‌جا روابط اجتماعی بهتری برقرار کرده و این موضوع سازگاری اجتماعی بیشتری را به وجود می‌آورد. احساس تعلق پایین افراد به محله زندگی خود با کاهش میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی رابطه دارد. نتایج پژوهش حاضر درباره سؤال دیگر نشان می‌دهد، بین میزان دل‌بستگی محیطی در دختران و پسران تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت، دختران بیشتر جذب بازی در محیط‌های نزدیک خانه می‌شوند و کم‌تر از پسران به آن‌ها اجازه داده می‌شود، به محدوده‌های دورتر و وسیع‌تر بروند. در نتیجه دختران بیشتر با محیط زندگی ارتباط عاطفی و اجتماعی برقرار نموده و پسران بیشتر با متعلقات فیزیکی محیط ارتباط برقرار می‌سازند.

یافته‌های این پژوهش درباره سؤال سوم نشان داد، سطح اقتصادی- اجتماعی افراد بر دل‌بستگی به خانه، محله و شهر آن‌ها تأثیر دارد. به عبارت دیگر افرادی که دارای وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایین هستند نسبت به خانه، محله و شهر خود دل‌بستگی بیشتری دارند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت افرادی که از نظر اجتماعی و اقتصادی بالا هستند، تمایل دارند از نظر جغرافیایی تحرک بیشتری داشته و به شبکه‌های اجتماعی وسیع‌تر بپیوندند؛ در نتیجه کم‌تر به مکان‌ها وابسته می‌شوند. به علاوه کسانی که از نظر اقتصادی و اجتماعی در وضعیت پایین‌تری هستند، در محله‌های خود شبکه‌های اجتماعی تشکیل داده و از نظر عاطفی نسبت به یک مکان سرمایه‌گذاری می‌کنند. در واقع آن‌ها با یکدیگر هم‌محلی می‌شوند. عدم توانایی جابه‌جایی، منجر به افزایش دل‌بستگی مکانی و اجتماعی می‌شود.

این پژوهش پیشنهاد می‌کند، طراحان محیط برای افزایش سازگاری و سلامت روان جوانان جامعه به طراحی محیط‌هایی بپردازند که تعامل عاطفی افراد با محیط زندگیشان را افزایش دهند. یکی از عواملی که منجر به افزایش تعامل عاطفی افراد با محیط می‌شود، امکانات آرام بخش محیط (رودخانه، پارک و جنگل و غیره) است. به‌طور کلی در شرایطی که استطاعت محیط بالا باشد، تعامل عاطفی افراد با محیط افزایش می‌یابد. به‌عنوان مثال می‌توان ذکر نمود فردی که نیازمند استفاده از ویلچر است و شرایط لازم جهت حرکت او در محیط با ویلچر فراهم شود، چون رفت‌وآمد او در محیط افزایش و با آرامش بیشتری صورت می‌پذیرد، این شرایط می‌تواند منجر به رفع نیازهای فرد و افزایش سازگاری و سلامت روان و دل‌بستگی محیطی در او و اطرافیانش شود.

1. Attachment Theory
2. Anonymous Spaces
3. Self-Identity
4. Neighbourhood
5. General Health Questioner. Goldberg. D.P
6. Somatic Syndrom
7. Anxiety
8. Social Dysfunction
9. Depression
10. California Test of Personality
11. Environmental Attachment

Reference

- Altman, I., Low, S. (1992). Human Behavior and Environments. *Advances in Theory and Research Place Attachment. Journal*, 12(2), 85-89.
- Burchfield, B. (2009). Attachment as a Source of Informal Social Control in Urban Neighborhoods. *Journal of Criminal Justice*, 37(3), 45-54.
- Burchfield, B. (2009). Attachment as a Source of Informal Social Control in Urban Neighborhoods. *Journal of Criminal Justice*, 37(3), 45-54.
- Davidson, O. (2004). *Housing Residential Environments and Fear of Crime Canada, Vilnius. It/Housing*,
- Giuliani, M. V. (2003). Theory of Attachment and Place Attachment. *Psychological Theories for Environmental Issues*, 32, 137-170.
- Giuliani, M. V. A. F., R. (1993). Place Attachment in Developmental and Cultural Context. *Journal of Environmental Psychology*, 13, 267-274.
- Halpenny, E. A. (2010). Pro Environmental Behaviors and Park Visitors. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 409-421.
- Hughey, J., Speer, P.W. (2002). Community, Sense of Community, and Networks. in Psychological Sense of Community: Applications, and Implications Research. *Kluwer Academic/Ple*, 22, 69-84.
- Joan, M., Brehm, B. W. E., Richard, S. Krannich. (2006). Community Attachments as Predictors of Local Environmental Concern. The Case for Multiple Dimensions of Attachment. *American Behavioral Scientist*, 50, 142-165.
- Jorgensen, B. S. A. S. R.C. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Owners Attitudes toward Their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 233-248.
- Kearns, A. A. P. M. (2001). The Significance of Neighborhood. *Urban Studies*, 38, 2103-2110.
- Kyle GT, G. A., Manning, R., Bacon, J. (2004). Effects of Place Attachment on Users' Perceptions of Social and Environmental Conditions in a Natural Setting. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 213-225.
- Pretty, G. H., Chipuer, H.M., Bramston, P. (2003). Sense of Place amongst Adolescents and Adults in Two Rural Australian Towns. *Environmental Psychology*, 23(5), 273-287.
- Pretty, G. H., Chipuer, H.M., Bramston, P. (2003). Sense of Place Amongst Adolescents and Adults in Two Rural Australian Towns: the Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity. *Environmental Psychology*, 23, 273-287.
- Proshansky, H. M., Abbe, K. F., & Kaminoff, R. (1995). Place-Identity: Physical World Socializations of the Self. in L. Groat (Ed.), *Readings in Environmental Psychology: Giving Places Meaning, Human Behavior and Environment*, 12, 1-12.
- Sampson, E. E. (1977). Psychology and the American Idea. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35(3), 767-782.
- Scopelliti, M., Giuliani, M. V. (2004). Choosing Restorative Environments across the Life Span: a Matter of Place Experience. *Journal of Environmental Psychology*, 24, 423-437.
- Tuan, Y. F. (2001). *Space and Place: the Perspective of Experience*. Minneapolis.
- Tuan, Y. F. (1974). *A Study of Environmental Perception, Attitudes and Values*. Minneapolis.
- Uzzell, D., Pol, E., Badenas, D. (2002). Place Identification, Social Cohesion and Environmental Sustainability. *Environment and Behavior*, 34(2), 26-53.
- Van Den Berg, A. E., Koole, S. L., Wulp, N. Y. (2003). Environmental Preference and Restoration: (How) Are They Related. *Journal of Environmental Psychology*, 23(3), 135-146.